

خویشتن‌داری بنابر آموزه بودا در متنی به زبان ختنی

سارا روحانی*

مهشید میرفخرایی**

چکیده

کتاب زَمَبَسْتَه منظومه‌ای طولانی به زبان ختنی قدیم از شاخه زبان‌های ایرانی میانه شرقی است. این کتاب، مجموعه‌ای وسیع از مفاهیم رایج آئین بودایی و جنبه‌های گوناگون دین بودا است. فصل دوازدهم این کتاب فصلی آموزه‌ایو شامل مجموعه‌ای از شایسته‌ها و نشایسته‌هاست. قطعه‌ای که در این گفتار برگردان آن از زبان ختنی به فارسی آمده، شامل ۵۲ بند نخستین همین فصل است که به شرح و توصیف سَمَوَرَه (samvara) خودداری، خویشتن‌داری اخلاقی یا متوقف ساختن تأثیرات کَرَمه‌ها یا اعمال پیشین انسان اختصاص دارد. سَمَوَرَه یکی از مهم‌ترین مراحل رسیدن به فضیلت پرهیزگاری به شمار می‌آید و همانند نگهبانی است که پیوسته می‌کوشد تا انسان را از هر آنچه که ناشایسته و ناپسند است، دور دارد و او را در جهت رسیدن به نیروانه (= نجات و رستگاری) یاری رساند. در زیر ریشه‌شناسی واژه سَمَوَرَه، دیدگاه فلسفی درباره سَمَوَرَه، مراحل دستیابی، مراسم تعهد و شرایطی که به از دست دادن سَمَوَرَه می‌انجامد، مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: زبان‌های ایرانی میانه شرقی، ختن، زبان ختنی، کتاب زَمَبَسْتَه، آئین بودا، سَمَوَرَه.

* دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران، Sarah_rouhani@yahoo.com

** استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)، mahshidmirfakhraei@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۷

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

۱. مقدمه

کتاب زَمَبَسْتَه منظومه‌ای طولانی به زبان ختنی قدیم^۱ است که از زبان سنسکریت ترجمه شده و مجموعه‌ای عظیم از تفسیرهای مفاهیم رایج آئین بودایی است که جنبه‌های گوناگون دین بودا و آموزه‌هایی از مکتب‌های مهم این آئین یعنی هینه‌یانه (Hīnayāna) و مه‌ایانه (Mahāyāna)^۲ را منعکس می‌کند. از آنجائیکه این اشعار به درخواست مقامی رسمی به نام زَمَبَسْتَه (Zambasta) سروده شده، این نام توسط بیلی (Bailey) برای این منظومه پیشنهاد شده است. اولین و تنها ترجمه از این متن در سال ۱۹۶۸ توسط امریک (Emmerick) انجام شد (میرفخرایی، ۱۳۹۲، ص ۹۸-۹۹؛ Leumann, 1967.p. 366-375; Bailey, Konow; 1914.p. 13-46 ; 1967.p. 59-74; 375).

این کتاب شامل ۲۰۷ برگ و احتمالاً دارای بیست و پنج فصل بوده که اکنون بیست و چهار فصل آن موجود است. از تعداد زیاد دست‌نویس‌های موجود از این متن، می‌توان به این نتیجه رسید که در سرزمین ختن از اهمیت و محبوبیت بسیار برخوردار بوده است (میرفخرایی، ۱۳۹۲، ص ۹۸-۹۹؛ ۱۳۸۳، ص ۹۹-۱۰۰؛ Hitch, Sharifian, 2016. P.1-6 ; 2014.p.1-43).

فصل دوازدهم کتاب شامل ۱۳۴ بند است که ۱۲۲ بند آن محفوظ مانده و بندهای ۹۷ تا ۱۰۸ آن موجود نیست. (بندهای ۱-۳۹) این فصل به سَمَوَر samvara «خویشتن‌داری اخلاقی یا متوقف ساختن تأثیرات گرمه‌ها یا اعمال پیشین انسان» که نخستین گام برای رسیدن به کمال و رستگاری است، اختصاص دارد. در این مرحله ابتدا فرد باید آمادگی‌های لازم را برای تعهد به سَمَوَر کسب نماید و سپس با انجام مراسم رسمی، به سَمَوَر متعهد شده و همه قانون‌های متعلق به آن را بپذیرد. در بندهای (۴۰-۴۹) مربی، فرد متعهد را از چهار گناه بزرگی آگاه می‌سازد که ارتکاب به آنها سبب از دست دادن سَمَوَر می‌شود و بنابراین او را از این اعمال برحذر می‌دارد و در بندهای (۵۰-۵۲) شخص متعهد به سَمَوَر، قصد و نیت خود را برای پرهیز از بدی و گناه اعلام می‌دارد (Emmerick, 1968.p.165; Bailey, 1967.p. 59-74 Leumann, 1967.p. 366-375; Konow; 1914.p. 13-46).

در زمینه متون ختنی مطالعات بسیاری توسط هارولد بیلی (۱۹۶۷؛ ۱۹۷۹)، رونالد امریک (۱۹۶۸؛ ۲۰۰۸)، درسدن (Dresden) (۱۹۷۷) و مجی (Maggi) (۲۰۰۸) صورت گرفته است. در ایران نیز پژوهش‌هایی توسط مهشید میرفخرایی (۱۳۶۶؛ ۱۳۷۱؛ ۱۳۷۵؛ ۱۳۸۳؛ ۱۳۸۴؛ ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۸؛ ۱۳۸۹؛ ۱۳۹۲؛ ۱۳۹۳) انجام شده است. ولیکن

در میان پژوهش‌های حاضر مفهوم واژه خویشتن‌داری براساس کتاب ختنی زمبسته مورد بررسی قرار نگرفته است.

پژوهش حاضر با هدف بررسی مفهوم خویشتن‌داری (= سمور) صورت گرفته و شامل حرف‌نویسی و برگردان فارسی ۵۲ بند نخستین فصل دوازدهم کتاب ختنی زمبسته است.

۲. واژه‌شناسی

سمور samvara (از پیشوند sam- و ریشه vi- به معنای «پوشیدن و پنهان کردن») به معنی خویشتن‌داری اخلاقی یا متوقف کردن تأثیر گرمه‌ها یا اعمال پیشین انسان برای رسیدن به مقام بودی‌ستوه (bodhisattva) است (Monier-Williams, 1899, p.1116, col.1; p.1007, col.1). سمور یکی از عالی‌ترین و ارجمندترین مراحل نیل به پرهیزگاری به شمار می‌آید و همانند نگاهی است که ذهن و حواس آدمی را در تسلط خود دارد و پیوسته می‌کوشد تا هر آنچه را که پست و ناپسند است، از اودور سازد تا دست‌خوش حرص و آز، یأس و ناامیدی نشود و در جهت رسیدن به نیروانه (nirvāna) آماده شود (Nyanatiloka, 1988, p.317-318).

۳. دیدگاه فلسفی درباره سمور

سمور یکی از واقعیت‌های اساسی جهان یا تتوا (ttatva) به شمار می‌رود و به معنای توقف نفوذ و تأثیر گرمه‌ها (karma) بر هوشیاری و خودآگاهی روح است. سمور نخستین گام در راه نابودی گرمه‌های زیان‌بخش انباشته شده است. این دیدگاه، جهان یا سنساره (saṃsāra) را مانند اقیانوس می‌داند و روح آدمی را قایقی که برای عبور از اقیانوس و رسیدن به ساحل آزادی و رهایی تلاش می‌کند. سوراخ‌های قایق همچون ذرات گرمه‌ای است که در حال راه یافتن به روح شخص است. از این رو نخستین گام مسدود کردن راه نفوذ و جلوگیری از ورود آب به قایق است و این عمل همان سمور است. رهایی و نجات تا زمانی که روح از اسارت این گرمه‌ها رها نشده، ممکن نیست. رهایی زمانی رخ خواهد داد، که نخست جریان گرمه‌های جدید متوقف شود و سپس با دور کردن گرمه‌های زیان‌بخش باقی مانده از طریق تلاش‌های آگاهانه، به رهایی و نجات برسد (Sanghvi, 1974, p.320; Shimmy, 2017, 7-8). براساس این دیدگاه فلسفی نجات و رهایی هنگامی رخ می‌دهد که روح و ماده بطور کامل از هم جدا شوند و به دلیل اینکه روح انسان به واسطه طبیعت بسیار سبک است لیکن

با بی‌توجهی نسبت به اعمال و رفتار خود سبب می‌شود تا راه نفوذ گرمه‌ها باز شود و همانند کیسه‌ای پر از شن و ماسه سنگین شود و در حقیقت ماده و روح با هم ترکیب شوند و نهایتاً در دام سنساره گرفتار گردد (Ekka, 2005, p.1-54; Doly, 2015, pp.297-302).

براساس این دیدگاه مراحل دستیابی به سَمورَ بدین ترتیب است:

۱. تسلط بر اندیشه، گفتار و تن.
۲. توجه و دقت در حرکت کردن، صحبت کردن، خوردن، قرار دادن اشیاء و دفع دور ریختنی‌ها.
۳. ده درمه (dharma) یا مشاهده اعمال خوب همانند بخشش، فروتنی، صراحت، قناعت، صداقت، تسلط بر خود، توبه و طلب بخشایش، چشم پوشی، عدم وابستگی و خویشتن-داری.
۴. مراقبه بر حقایق این جهان.
۵. صبر و شکیبایی در مسیر تهذیب اخلاقی در شرایط سخت و دشوار.
۶. تداوم تمرینات معنوی (Bhatlacharya, 1976, p.45-47; Doley, 2015, p.297-302).

۴. مفهوم سَمورَ در متون سنسکریت

در سنسکریت واژه سَمورَ بصورت brahmayana آمده و مرکب از دو بخش brahma به معنای «عالی، خالص» و yana به معنای «چرخ و گردونه» است. بنابراین brahmayana گردونه‌ای برای ورود شخص به مرحله و وضعیتی عالی یا خالص و پاکاست. معادل تبتی این واژه، tsang-pe thukpa است و از ترکیب واژه tsang-pe به معنای «کامل» و thukpa به معنای «گردونه و چرخ» تشکیل شده و در مجموع به معنای «گردونه کامل» است. در حقیقت نشان‌دهنده تعهد و پذیرش شخص نسبت به آئین بودا و وفادار بودن به قول و پیمان است (Trungpa, 2013, p.21-22).

در برخی متون سنسکریت اشاره شده که شخص با بدست آوردن سَمورَ قدرت و نیرو پیدا می‌کند و می‌تواند بر خود و اعمال خود تسلط کامل یابد و از خواهش‌های نفسانی دوری کند و بر اندیشه و جسم خود تسلط یابد. همچنین سَمورَ یکی از تمرینات اصلی یوگا معرفی شده و به معنای خودداری از هر گونه خواهش و آرزو و لذت‌جویی است. در بند دیگری از این متن اشاره شده که شخص باید همواره تحت هر شرایطی خویشتن‌دار باشد و

بدان پای‌بند باشد. خویشن‌داری سبب می‌شود که فکر و اندیشه شخص بطور کامل از خواسته‌های باقی مانده پاک شود و بدین ترتیب راه ورود گرمه‌ها بسته شود. بنابراین تنها راه بدست آوردن این قدرت و نیرو چیزی نیست جزء تسلط بر خود و تمرین بسیار و مداومت طولانی بر این امر. (Patanjali and Feuerstein, 1989, p.21-22).

با توجه به بررسی برخی متون سنسکریت و فصل دوازدهم کتاب خنتی زمبسته، سمور همواره به مفهوم جلوگیری از هرگونه عمل ناشایست و دوری جستن از لذت‌جویی است و تعهد و پای‌بندی شخص به آئین است که در نهایت سبب نجات و رهایی او از سنساره یا پیدایش‌های پی در پی و در نتیجه باعث تکامل انسان می‌شود. البته شخص باید همواره در راستای تمرینات معنوی خود کوشا باشد و مداومت و پایداری نماید تا بتواند این قدرت و نیرویی را که از سمور بدست آورده حفظ نماید.

۵. مراحل دستیابی به سمور بنابر فصل دوازدهم متن خنتی زمبسته

پس از اینکه شخص آمادگی‌های لازم را برای پذیرش سمور پیدا کرد، در این مرحله او درخواست می‌کند تا سمور به او داده شود و نسبت به بودا ابراز وفاداری می‌کند. سپس باید توسط بودی‌ستوه مورد آزمایش قرار گیرد. در این مرحله از وی پرسیده می‌شود، آیا او انجمن بودایی را سرزنش خواهد کرد یا نه؟ و آیا او دشمن آنها نیست؟ آیا خشم شدید، حرص و غرور ندارد؟ و یا با قصد فریب و نیرنگ این تعهد را نمی‌پذیرد؟ پس از پاسخ به این پرسش‌ها، شخص قسم می‌خورد که به این پیمان متعهد است. مجدداً از او پرسیده می‌شود که آیا سمور را می‌پذیرد؟ و همه قانون‌های آن را انجام می‌دهد؟ اگر انجمن راهبان (bhikṣusangha) او را به عنوان شخصی مناسب برای این انجمن انتخاب کنند و بپذیرند، به او می‌گویند که: «برخیز و حواست را خوب جمع کن». او بعد از پذیرش سمور باید در برابر مجسمه بودا بایستد و تا آنجا که می‌تواند باید آن را بیاراید و پیشکش‌ها بدهد. سپس اجتماع راهبان را جمع کرده و به سه گوهر (tri-ratana) احترام بگذارد و متعهد گردد تا نسبت به همه موجودات مهربان بوده و همه بوداها را به یاد آورد و نسبت به همه بوداها و آموزگارش ابراز وفاداری نماید. او باید همه برکت‌ها و نیکی‌هایی را که به سبب تعهد به سمور به دست آورده است، در خود جمع کند و پس از اظهار فروتنی نسبت به سه گوهر، از آموزگار خود درباره سمور سوال کند و در برابر اجتماع راهبان و بودا ایستاده و از آموزگارش درخواست کند و بگوید که: «سمور را به خاطر بودی‌ستوه‌ها به من بده». سپس

باید درخواست خود را از آنها تکرار نماید و بگوید: «این سَمَوَر را به من بده». اجتماع راهبان باید آموزگار را آگاه کرده و به او بگویند که آیا سَمَوَر باید به آن شخص داده شود یا نه؟ (Emmerick, 1968, p. 164-169). اگر بودی‌ستوه‌ها او را بپذیرند، آموزگار باید به او چنین بگوید: «حواست را خوب جمع کن و گوش فراده ای فرزند». سپس از او می‌پرسد که: «آیا تو نسبت به بودی (Bodhi) متعهد هستی؟ بودی تو را خشنود می‌سازد؟ و آیا سَمَوَر را می‌پذیری؟» شخص اعلام می‌نماید که «من به بودی ایمان دارم، بودی مرا خشنود می‌سازد و این سَمَوَر را می‌پذیرم.» سپس از او می‌خواهند که شیکشا (śīkṣā) را بیاموزد و همه اعمال و کارهای مربوط به سَمَوَر را انجام دهد. بدین ترتیب شخص سَمَوَر را پذیرفته و نسبت به آن متعهد خواهد شد (Ibid, p. 168-171؛ بندهای ۱۰-۳۹ ترجمه حاضر)

۶. مراحل از دست دادن سَمَوَر بنا بر فصل دوازدهم متن ختنی زَمبَسْتَه

همانگونه که به دست آوردن سَمَوَر دارای مراحل است، از دست دادن آن نیز تابع شرایطی است. بعد از اینکه شخص به سَمَوَر متعهد می‌گردد و آن را می‌پذیرد، آموزگار او را نسبت به چهار گناه بزرگ آگاه می‌کند، که ارتکاب به این گناهان سبب می‌شود تا وی سَمَوَر و مقام خود و شایستگی‌های اخلاقی که در این راستا کسب نموده است، از دست داده و تنزل یابد. این چهار گناه بزرگ عبارتند از:

۱. اگر کسی بخاطر سود و منفعت خود، شرف دیگران را تحقیر کند و به خود احترام بگذارد.
 ۲. کسی که نسبت به دارایی حریص و طماع باشد و هنگامی که کسی چیزی از او بخواهد، او دریغ کند.
 ۳. کسی که بسیار خشمگین شود و به سبب آن به دیگران آسیب برساند و باعث ناراحتی شود و از وی عفو و پوزش نیز نخواهد.
 ۴. کسی که به قانون مه‌ایانه احترام نمی‌گذارد و آن را تحقیر و بی‌ارزش می‌کند.
- بدین ترتیب با انجام این چهار گناه شخص همه خوبی‌ها و آگاهی‌هایی را که کسب کرده از دست خواهد داد. ولیکن اگر توبه نماید، مجدداً می‌تواند شایستگی‌های خود را افزایش داده و سَمَوَر را کسب نماید و همانند قبل به مقام و جایگاه خود خواهد رسید (Ibid, p. 170-173؛ بندهای ۴۰-۴۹ ترجمه حاضر).

خویشتن‌داری بنا بر آموزه بودا در متنی به زبان ختنی ۴۷

قطعه‌ای که در این گفتار برگردان آن آمده شامل حرف‌نویسی، برگردان فارسی ۵۲ بند نخستین فصل دوازدهم کتاب زمبسته است، که به توصیف خویشتن‌داری (=سمور) پرداخته است.

۷. حرف‌نویسی

- 1 Siddham ce yāḍe praṇāhā– nu se balysūstu bvāne
numandrāte satva aysū trāyāmā bāsśā.
- 2 praṃmānī dātā mahāyānā se rraṣṭā
balysā hvate harbāsśu ttāna byaude balysūstā.
- 3 tte rro nāsāñi ṣā gratā tcamna balysūstā. Tha–
tau haṃbīḍū puña māsta hāmāre.
- 4 ppraṇāhānai harbiśśā sājīndā kho yande
balysūste vaska u bi–śśā trāyāte satva.
- 5 pārāmate mulysdi satva-saṃgrahā hota
Panye kṣaṇā huṣṭā kye ttū nāste parāhu.
- 6 klaiśa nvaṇthāre u kāḍāyāne jyāre
buvāmatī huṣṭā bodhisattvā ṣu ttīyā.
- 7 kāmā ṣātā hastamā gratā khvai vā nāste.
kama jsa nāsāñi cu buro vātcu parāhā
- 8 ṣei bodhisatva–saṃvari cai abvatu ḍrysde.
ttandrāmā pīśai kū– śāñi ku nāste
- 9 tai hvañau āysda ma (ya)nu bīka māḍāna
pāto’ yā haraysā–ñi dasta aṃjalu tcera.
- 10 ātamā mā uho jsa thu mamā saṃvaru haura
bodhisatvānu tta ya–na balysa tā byautā
- 11 tte bodhisattvā. nvaśtāñā ṣā satvā.
ka ne balysānā ggūtrā ṣṭakula–jserā hāmāte

- 12 ka ne vīraustā ne atā nuṣṭhurā ysu-
 rrjä ne hīsa ne škālsā u nai śśaṭhyau nāste
- 13 śśārkuī jsa perre. Sañina naunu pātāšte
 yāḍā tā praṇāhā-nā tta pulsāñi balysūsta.
- 14 nāsa ttū saṃvaru biśśu varttī vātco.
 ma tā mahāyānā nā pramānā śtā pūra
- 15 ka hā ttāña ggūttro uairā īyā balysūña
 ttai hvañau panamū uī' śśārku haṃggalju
- 16 ttīyā panamāñu kye ttū saṃvaru nāste
 ttu śśāṇdau tsuño ku prratābimbā balysi.
- 17 khvai hauta tterburu varā āysāte perrā
 khvai hota tterburo vari pūśa yanāña
- 18 khvei hota tterī haṃ- ggaljāñi bilsaṃggā
 ce buro ttū saṃvaru vāte ṣṭāre spyātyau jsa
- 19 bū'ṇa bīnāñina āmāśāṇa kho hotte
 drraiṇu ratanānu pajsamā tterburo tcerā
- 20 khvei hauta tterburo balysāne ṣṣahāne
 aysmūna kā'ñe tterā brocī mulysdi
- 21 satva vāe tcera daso diśe vātā balysa
 aysmūna ttītā ha- rbāśśā byāta yanāña
- 22 kāḍe sīravātā kāḍe ṣṣadda praysātā
 balysa vāte tcera u ttu rro pīso vīri
- 23 hāvi āvyāñi u puña cu mamā hāmāre
 ttātāna saṃvarina cu na-ro paḍā hāmāre
- 24 pātcu haraysāñu patāna draiṇu ratanānu
 pātcā śāsāñi saṃvari pīso ttīyā
- 25 hā yi nāsāñi ṣṣa ho bilsaṃgga vātco

- nyānarthi tcerā u panamāñvī ttīyā
26 baña balysā ṣṭānī śāsāñi se hora
bodhisatvānu saṃvaru pīso pātco
27 biśśā bodhisatva. ce vari ā're haṃgrīya
hvatā hvatā rro trāmī śāsāña se hoḍa.
28 tte pīsai ttīyā aurāsśāñi bilsaṃggā
horāñi saṃvarā tte o kho pariya
29 kei bodhisatva-saṃggāna ūvāśu yanīndā
ttai hvañau pīsai uī' śśārku haṃggalju.
30 pyū' pūra aśtā tā prañihānā balysūsta
kṣamāte balysūstā u ttū saṃvaru nāsa
31 ttai hvañau aśtā mā. prañāhānā balysūsta
kṣamātā mā balysūstā u ttū saṃvaru nāse
32 sājā ttuto śśākṣo. kho sīyāndi tṭr-adhva
biśśā gyasta balysa. paḍā prahujana ṣṭāna
33 cu buro mara tceri ttīye saṃvarā vīrā
biśśu tta yañi u cu ne tcerā īyi pathiśśā
34 ttai hvañau ttīyā kye ttū saṃvaru nāste.
biśśu pathiśīmā u cu mā tceri yanīmā
35 sājimā śśākṣo kho sīyāndi tṭr-adhva. bi-
śśā bodhisattva kye ttū saṃvaru nāndā
36 ttīyā panamāñu ce ttū saṃvaru heḍā.
baña balysi ṣṭānī hiṃdvānāna hauna
37 nyānartha tcera daso diśe vātā balysa
kho rro sūtro hvīnde ce ttū saṃvaru heḍā
38 nāsākā balysa bodhisatva kā'ña
satva vātā mulysdi mā-stā tcera aysmūna

- 39 cī ttū pīśai. ārūśātu yīndā
 ttai hvañāu pūra tchoh—rā ttāte hāra mista
- 40 tcamna nyauysāre bodhisatva payīndā
 rrūyīndā saṃvaru hārṣṭāyā ne tcera
- 41 ka hāvā pajsamā kāḍāna ḥandara nyaste
 uysānye buljāte ṣā paḍā pathamka
- 42 śātu hīsu yande ttatatu vīro dātu
 kvī aśtā häysdā cai pajättā ne heḍā
- 43 ysīro ysurru yande ku-m̄ jsa haṃdaru mīndā.
 dukhevāte u ne ne kṣa—mātā auysde ṣā dāddā
- 44 kye mahāyānu dātu nyaste ne ysūṣḍe
 nei hvate śtā balysi apramānvī yande
- 45 ṣāte teūramā dharmā tcamna hāmāte paramjsā
 biśśāñe śśārateto jsa balysūšte jsa nyauṣṭā
- 46 ku ne nā kāḍe ysīrā—na aysmūna yanīyā
 kuī pātco nāste. hāmāte trāmī pātco
- 47 nai buvāñīyā u śśo ysamṭhvī ḍrysde.
 odi balysūšte . nai ne tātu bvīndā
- 48 kai bvāñīyā u pātcvī ne ne nāste
 o aysmū īśśāte balysūšte jsa ttīyā
- 49 hārṣṭāyā rrūyāte ttū saṃvaru trāmu samu
 kho ju ye hvandāye pu—ṣṣo kamalu patālttā
- 50 tte tta hvañū ttīyā kye ttū saṃvaru nāste
 īmu āstarnnau bi—śśu audā balysūšte
- 51 aysu pathīsīmā hamatā kar ne yanīmā
 Ne parīmā hārṣṭei ka—rā u kari nā ggīhā
- 52 karā ne buljīmā u ne rro hā hāme sīrā

ttānu vātā sājāmā kye rro ttū gratu nāndā

۸. برگردان فارسی

موفقیت!

۱. کسی که متعهد می‌شود: «باشد که آگاهی را دریابم»، موجودات رادعوت می‌کند که: «من همه شما را نجات خواهم داد.»
۲. قانون مه‌ایانه اقتدار و مرجعیت اوست: «بودا همه آن [قانون] را به درستی اعلام کرده است» او به آگاهی می‌رسد.
۳. او باید این فرمان را نیز بپذیرد، که با آن، آگاهی زودتر تحقق می‌یابد و نیکی‌های بسیار حاصل می‌شود.
۴. همه پیمان‌های او زمانی به سرانجام می‌رسند که او آنها را برای آگاهی متعهد شود و همه موجودات را نجات دهد.
۵. فضیلت‌ها (pāramitā)، بخشش، مهربانی نسبت به موجودات، هر لحظه نیروی کسی را که این شایستگی‌های اخلاقی (śīla) را می‌پذیرد، افزایش می‌دهد.
۶. ناپاکی‌هایش (kleśa) ناپدید می‌شوند و کردارهای بدش از میان می‌روند. سپس دانش بودی ستوها افزایش می‌یابد.
۷. این بهترین فرمان چیست؟ چگونه شخص آن را می‌پذیرد؟ از چه کسی باید پذیرفته شود؟ افزون بر این، شایستگی‌های اخلاقی چیست؟
۸. این خویشتن‌داری اخلاقی بودی ستوه است. شخص باید بکوشد، زمانی که آن را می‌پذیرد، همانند آموزگاری آن را نشکند و حفظ نماید.
۹. باید به او اینگونه بگوید: «مرا حفظ کن ای محبوب، ای مهربان»، شخص باید خود را به پاهای او افکند. باید دست‌ها را به حالت درود (aṅjali) قرار دهد.
۱۰. خواسته‌ای از تو دارم. سَمَوَر (خویشتن‌داری) بودی ستوه‌ها را به من بده. این کار را بکن ای بودا! به تو وفادار هستم.
۱۱. این شخص باید به وسیله بودی ستوه آزموده شود تا [معلوم شود] که انجمن بودایی سزاوار نکوهش نخواهد شد؟

۱۲. که اودشمن نیست، که خشم شدید، حرص [و] غرور ندارد و با هدف‌های -
فریبکارانه متعهد نمی‌شود؟
۱۳. او باید وادار شود[تا] با برنامه، به نرمی سخن گوید: «باید پرسیده شود که برای
آگاهی متعهد شده‌ای؟»
۱۴. این سَمَوَر را می‌پذیری؟ بعلاوه، اصلاً به آن پای‌بند هستی؟ ای فرزند، نگذار مه‌ایانه
اقتدار و مرجعیت تو نشود!
۱۵. اگر او باید در این انجمن بودایی مناسب باشد، [پس] باید به او گفته شود که:
«برخیز و خوب حواست را جمع کن.»
۱۶. پس کسی که این سَمَوَر را می‌پذیرد، باید برخیزد و به جایی که [مجسمه‌های]
بوداست برود.
۱۷. و سپس باید تا آنجا که می‌تواند آنها را بیاراید. آنگاه تا جایی که می‌تواند
پیشکش‌ها بدهد.
۱۸. سپس باید تا جایی که می‌تواند، انجمن راهبان [و] همه کسانی را که این سَمَوَر را
پذیرفته‌اند، جمع کند.
۱۹. باید تا جایی که می‌تواند با گل‌ها، ساز، کالاهای سه گوهر احترام بگذارد.
۲۰. سپس باید تا آنجا که می‌تواند در اندیشه‌اش به فضایل بودا بیاندهد.
۲۱. نسبت به موجودات بسیار مهربانی کند. او باید در اندیشه‌اش، همه بوداها را در ده
جهت به یاد آورد.
۲۲. باید نسبت به بوداها، نیز آموزگارش، خرسندی بسیار، ایمان قوی و پای‌بندی
نشان دهد.
۲۳. باید از طریق این سَمَوَر، سود و نیکی‌هایی را که برای من روی می‌دهند، [اما] پیش -
تر روی نداده‌اند، جمع کنم.
۲۴. سپس باید در برابر سه گوهر سجده کند. آنگاه باید از آموزگار درباره سَمَوَر پرس
و جو کند.
۲۵. سپس این گفته را در برابر انجمن راهبان اعلام کند. آنها باید آگاه شوند و سپس او
باید برخیزد.
۲۶. ایستاده در برابر بودا، باید از آموزگارش بخواهد [که]: «سَمَوَر بودی‌ستوه‌ها را به
من بده.»

۲۷. همچنین او باید بارها از همه بودی‌ستوه‌ها که در اینجا گرد آمده‌اند بخواهد [که]: «این [سَمور] را به من بده.»
۲۸. سپس انجمن راهبان باید آموزگار را آگاه سازد [که]: «آیا سَمور باید به او داده شود؟ چگونه فرمان می‌دهید؟»
۲۹. اگر انجمن بودی‌ستوه‌ها به او اجازه دهند، آموزگارش باید به او چنین بگوید: «خوب حواست را جمع کن.»
۳۰. «گوش فرا ده ای فرزند. آیا نسبت به بودی‌تعهدی (pranīdhāna) داری؟ بودی تو را خشنود می‌سازد؟ و آیا سَمور را می‌پذیری؟»
۳۱. او باید چنین بگوید: «من به بودی‌تعهد دارم. بودی مرا خشنود می‌سازد، و این سَمور را می‌پذیرم.»
۳۲. تو باید اصول اخلاقی و مراتب تربیت را بیاموزی، همانگونه که همه ایزد بوداهای سه دوره، زمانی که هنوز مردانی عادی بودند، آموختند.
۳۳. تو باید با توجه به این سَمور همه چیز را همانگونه که باید انجام شود، انجام دهی، و باید از هرچه که نباید انجام شود، دوری کنی.
۳۴. پس کسی که سَمور را می‌پذیرد، باید چنین بگوید: «من از هرچه [که] ممنوع است، دوری خواهم کرد و آنچه را که باید انجام شود، عمل خواهم کرد.»
۳۵. می‌خواهم اصول اخلاقی و مراتب تربیت را بیاموزم همانگونه که بودی‌ستوه‌های سه دوره آن را آموختند، هنگامی که سَمور را پذیرفتند.
۳۶. سپس کسی که سَمور را می‌پذیرد باید برخیزد. ایستاده در برابر [مجسمه] بودا، باید به زبان هندی بگوید:
۳۷. درست همانگونه که در سوتره (sūtra) برای کسی که این سَمور را می‌پذیرد، بیان شده است، بوداهای ده جهت را آگاه سازید.
۳۸. کسی که سَمور را می‌پذیرد باید به بوداها و بودی‌ستوه‌ها بیاندیشد (= تمرکز کند) و در اندیشه، [نسبت] به موجودات بسیار مهربانی کند.
۳۹. هنگامی که بتواند این را به آموزگارش بگوید، آنگاه آموزگار باید به او بگوید: «ای فرزند، این، آن چهار کار بزرگ است.»
۴۰. که به سبب آنها، بودی‌ستوه‌ها مغلوب می‌شوند، سقوط می‌کنند و سَمور‌هایشان را از دست می‌دهند، [و] هرگز نباید انجام شوند:

۴۱. اگر کسی به خاطر سود [و] احترام، دیگران را تحقیر کند و به خود احترام کند، این نخستین [بازگشت از] خویشتن‌داری است.
۴۲. دوم، [اگر] کسی نسبت به دارایی [یا] قانون حریص باشد [و] به کسی که چیزی از او بخواهد، حتی اگر دارایی داشته باشد، ندهد.
۴۳. [اگر] بسیار خشمگین شود و از این راه به دیگری آسیب رساند [و] او را ناراحت کند و از او طلب بخشش نکند و عصبانی شود، این سومین مورد است.
۴۴. کسی که تحقیر کند [و] به قانون مهیانه ارزش نهد، آن را بی‌اعتبار سازد [و] بگوید که: «بودا آن را اعلام نکرده است».
۴۵. این چهارمین (مورد) است که شخص با آن از قانون بر می‌گردد و از همه خوبی‌ها و آگاهی محروم می‌شود.
۴۶. اگر او این کارها را با اندیشه بسیار خشمگین نکند، اما اگر دوباره به [سمور] متعهد شود، برآستی دوباره همانگونه [متعهد] خواهد شد.
۴۷. اگر قرار باشد به آن (= تعهد) آسیب نرساند و آن را در تمام عمر تا [رسیدن به] آگاهی حفظ نماید، نباید حتی برای یک لحظه به آن آسیب رساند.
۴۸. اگر قرار باشد به آن آسیب رساند و سپس آن را نپذیرد و یا اندیشه‌اش را از بودی بگرداند،
۴۹. او بدین ترتیب سمور را از دست می‌دهد مانند کسی که سر یک انسان را می‌برد.
۵۰. بنابراین کسی که سمور را می‌پذیرد باید به او چنین گوید: «از امروز تا رسیدن به آگاهی،
۵۱. از بدی و گناه دوری خواهم جست، هرگز آن را انجام نخواهم داد و در واقع، هرگز دستور [انجام] آن را نخواهم داد و به [انجام] آن یاری نمی‌رسانم.
۵۲. هرگز به آن (= کار ناشایست) احترام نمی‌گذارم و یا از آن خرسند نخواهم شد. از کسانی که این پیمان را پذیرفته‌اند خواهم آموخت.

۹. نتیجه‌گیری

کتاب زمبسته منظومه‌ای طولانی به زبان ختنی قدیم و سرشار از مفاهیم رایج آئین بودایی و درباره جنبه‌های گوناگون دین بوداست. فصل دوازدهم این کتاب فصلی آموزه‌ای و شامل

مجموعه‌ای از شایسته‌ها و نشایسته‌هاست. بندهای نخستین آن به شرح و توصیف سَموَر اختصاص دارد که نخستین گام در رسیدن به کمال و رستگاری به شمار می‌رود و پیوسته در تلاش است تا بر ذهن و حواس آدمی تسلط یافته و او را از هرچه که بد و ناشایسته است دور نماید و اجازه ندهد که انسان دچار حرص و آز، غرور و یأس و ناامیدی شود. سَموَر سبب می‌شود تا نفوذ و تأثیر گرمه‌ها بر هوشیاری روح آدمی متوقف گردد. در برخی متون سنسکریت نیز به مفهوم سَموَر اشاره شده و آن را به معنای گردونه و چرخه تکامل انسان ذکر کرده که شخص با بدست آوردن سَموَر قدرت و نیرو پیدا می‌کند و می‌تواند بر خود، اعمال، اندیشه و جسم خود تسلط کامل یابد و از هرگونه خواهش‌های نفسانی و لذت‌جویی دوری کند. همچنین اشاره شده که شخص باید همواره تحت هر شرایطی خویشتن‌دار باشد و بر این امر مداومت کند. براساس فصل دوازدهم کتاب زَمبَسْتَه رهایی و نجات انسان هنگامی رخ خواهد داد که روند نفوذ این گرمه‌ها متوقف شده و گرمه‌های مضر موجود نیز از طریق تلاش‌های آگاهانه فرد از بین برود تا بتواند به سَموَر دست یابد. همچنین انسان باید بر مجموعه‌ای از اعمال خود مانند اندیشیدن، سخن گفتن، مراقبت از تن خویش، حرکت کردن، صحبت کردن، خوردن، قرار دادن اشیاء و دفع دور ریختنی‌ها تسلط یابد و فضایل خوب خود را افزایش دهد و صبور باشد و تلاش کند و پیوسته در مسیر تمرینات معنوی خویش باقی بماند. برای رسیدن به این اهداف، شخص نخست باید آگاهی‌های لازم را برای نجات خود و دیگران کسب نموده و پس از وفاداری به قانون مه‌ایانه و با سپری کردن مجموعه‌ای از آموزش‌ها، شایستگی‌های اخلاقی و معنوی خود را افزایش دهد و ناپاکی‌ها و آلودگی‌های خویش را از بین ببرد تا آمادگی لازم را برای بدست آوردن سَموَر، کسب نماید. همچنین باید از چهار گناه بزرگ تحقیر کردن دیگران، حریص و طماع بودن، خشم بسیار و پوزش نخواستن و تحقیر و بی‌احترامی به قانون مه‌ایانه نیز دوری نماید تا بتواند سَموَر را حفظ نموده و به نیروانه که هدف و نتیجه این آموزش‌هاست، دست یابد و خود را از گردونه بازپیدایی یا سَنساره برهاند و به آرامش جاوید دست یابد و در نهایت از هر درد و رنجی نجات یابد.

پی‌نوشت‌ها

۱. زبان ختنی (سکایی) جزو زبان‌های ایرانی میانه شرقی محسوب می‌شوند و دارای دو گویش تمشقی (گویش شمالی Tumshuqese) و گویش ختنی (گویش جنوبی Khotanese) است و از

نظر زبانی و جغرافیایی‌قرابت این دو گویش به گونه‌ای است که می‌توان آن‌ها را گویش‌های مختلفی از یک زبان در نظر گرفت (Emmerick 2008.p.198; Emmerick, 2009.p.377). زبان ختنی تنها محدود به سرزمین ختن نبوده و منطقه وسیع‌تری را شامل می‌شده است: از کاشغر بسوی شرق تا تمشوق، واقع در شمال صحرای تاکلاماکان و از کاشغر تا ختن، واقع در جنوب این صحرا (تفضلی، ۱۳۷۸، ۳۶۵).

۲. در منابع بودایی، همه جا، از دو فرقه یا مکتب بزرگ و اصلی نام برده می‌شود که شامل مه‌ایانه (Mahāyāna) و هی‌نایانه (hīnā-yāna) یا تروادا (theravāda) است. مه‌ایانه مرکب از دو بخش mahā- به معنای «بزرگ» و yāna به معنای «گردونه» است که روی هم به معنای «گردونه یا چرخ بزرگ» است. در آئین بودا «گردونه» راه رسیدن به آگاهی و گریز از تسلسل و باز پیدایی است. هی‌نایانه نیز مرکب از دو بخش hīnā- به معنای «کوچک، مردود، حقیر» و yāna است که روی هم به معنای «گردونه یا چرخ کوچک» است. این عنوان را مکتب مه‌ایانه برای مکتب هی‌نایانه یا تروادا متداول کرده است، زیرا آن را از نظر تعلیمات در مرحله پایین‌تری از خود تصور می‌کند. به گردونه کوچک، گردونه شنوندگان یا شاگردان (śrāvaka.yāna) نیز می‌گویند. شنوندگان تنها شامل آنانی می‌شود که «قانون را از زبان بودا شنیده‌اند». پس باید مکتب هی‌نایانه یا تروادا قدیمی‌تر و اصیل‌تر از مه‌ایانه باشد (میرفخرایی، ۱۳۹۲، mw.1899,p.1296,col.2,p.849,col.3۹۵).

۳. بودی‌ستوه (bodhi-sattva) مرکب از دو بخش bodhi به معنای «خرد و آگاهی» و sattva به معنای «جوهر و وجود» و در مجموع به معنای «آنکه جوهرش خرد و آگاهی» است. یکی از ویژگی‌ها و خصوصیات مکتب مه‌ایانه عبادت و پرستش بودی‌ستوه‌ها یا بوداهای آینده است. بودی‌ستوه‌ها موجوداتی اساطیری هستند که از جسم نورانی (sambhogakāya) بوداها بهره‌مند هستند و جایگاه آن‌ها در بهشت توشیتا (tuṣitā) قرار دارد. اینان پیامبرانی برای نجات بشر به زمین می‌فرستند و کسی که خواستار رسیدن به «نیروانه» است، باید راه این بودی‌ستوه‌ها را طی کند (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶). او کسی است که برای رسیدن به مقام بوداگی، یا بوداشدن می‌کوشد. همه سنت‌های بودایی مفهوم بوداسف را قبول دارند، اما سنت مه‌ایانه بیش از دیگران بر آن تأکید می‌کند و آن را بالاترین آرمان می‌داند و بر آنند که همه جانداران سرانجام بوداسف و به بیداری کامل نائل آیند. آرمان بوداسف که مقصود از آن رسیدن به مقام بوداگی برای خیر همه موجودات است، با آرمان سنت هینه‌یانه، یعنی مقام آرتهی (arhat) یا آرته شدن که صرفاً برای رهایی خود از رنج می‌کوشد، در تقابل است (راسل هینلز، ۱۳۸۹، ص ۳۱۶).

۴. نیروانه (Nirvāna) مرکب از پیشوند nir- به معنای «فرو و پایین» و ریشه vā- به معنای «وزیدن» و اصطلاحاً به معنای «انقطاع و خاموشی پدیده‌ها و سکوت محض» است. نیروانه هدف نهایی آموزش‌های بودایی است و مستلزم آن است که جوینده حق نخست به واقعیت حق بیدار شده

خویشتن‌داری بنابر آموزه بودا در متنی به زبان خنتی ۵۷

باشد مانند خود بودا که زیر درخت روشنائی ناگهان به واقعیت مطلق رسید (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۰).

۵. براساس جهانشناسی «سانکھیا» (sangha) آفرینش جهان دارای ۲۵ اصل است، که این اصول را تتو (tattva) یا درجه و اصل می‌گویند (شایگان، ۲۵۳۶، ج ۱، ۲۲۵).

۶. کَرَمَه در زبان سنسکریت (karma) و در زبان پالی (kamma)، اسم مذکر و به معنای «کردار پیشین، عمل، عمل و عکس‌العمل کردار» است (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ۱۶۳) و یکی از فرضیه‌هایی است که همه مکاتب هندو پذیرفته‌اند. این مکاتب معتقدند که نظام طبیعی عالم در نظام اخلاقی جهان نیز بازتاب دارد و هر عملی دارای واکنشی است یعنی به محض آن که کاری انجام شد به تناسب آن که این کار نیک یا بد باشد، نتیجه خوب یا بد به بار می‌آورد. این قانون خود انسان را محصول کردارها و اعمال زندگی‌های پیشین می‌داند و معتقد است که پیدایش‌های پی در پی و مرگ، پایان راه نیست و تا زمانی که انسان به معرفت مطلق نرسد، از این دریا نجات نخواهد یافت. قانون کَرَمَه تعادل و توازن نظام اخلاقی جهان است (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۰).

۷. سَنَساره (saṃsāra) از sam- به معنای «هم» و sāra- از rī- به معنای «جریان داشتن» است و در مجموع به معنای «بهم رفتن» است که اصطلاحاً در مفهوم پیدایش‌های پی در پی و جریان پیوسته زندگی در دگرگونی‌های گوناگون است. بودا اساس و شالوده جهان را با واقعیت و عدم واقعیت می‌سنجید و این دو از جهتی دو رکن اصلی آئین بودا را تشکیل می‌دهند. عدم واقعیت یعنی هستی ناپایدار، تسلسل اشیای گذرنده، پیدایش‌های پی در پی، زایش و جریان پیوسته ایجاد (سَنَساره) و واقعیت یعنی خاموشی و پایان یافتن از تسلسل و گریز از دریای باز پیدایی، یعنی نیروانه (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ۱۳۴-۱۳۵؛ پاشایی، ۱۳۸۶، ۵۴-۵۵).

۸. درمه (dharma) واژه سنسکریت و اسم مذکر به معنای «عنصر، پدیده، قانون (= آئین بودا)» است. این واژه در آئین بودا بسیار بکار رفته اما پیش از پیدایش این آئین نیز کاربرد داشته است. درمه از ریشه dhṛ- به معنای «داشتن، نگاه داشتن، بردن» است. در دوران وداها به شکل درمن (dharman) و به معنای «نگاهدار، دارنده و قانون» بکار رفته و سپس معانی «سرشت هر چیز، عنصر، پدیده، قانون، آئین و دین» را نیز پذیرفته است. در این آئین، جهان و هرچه در آن هست به گونه‌ای با یکی از مفاهیم درمه وابستگی دارد، تا آنجا که بودائیان، آئین خود را درمه می‌نامند (میرفخرایی، ۱۳۸۸، ۶۲-۶۳؛ mw.1899, p.510, col.3).

۹. انجمن راهبان (bhikṣusangha): زندگی هر هندو شامل چهار دوره است: دوره اول را برهمه چرین (brahmacarin) می‌گفتند و آن شامل دوره طلبگی و تحصیل علم و معرفت بوده؛ دوره دوم را گرهنسته (grhastha) می‌خوانند که به معنای اقامت در خانه است و در این دوره، هندو به وظایف قومی و خانوادگی خود می‌پرداخته؛ دوره سوم ونسته (vanastha) به معنای اقامت در

جنگل بوده است، که طی آن هندو دنیا را ترک گفته و معتکف می‌شده است و به سکوت جنگل پناه می‌برده و به تزکیه نفس می‌پرداخته؛ دوره چهارم بیکشکو (bhikṣu) یا دوره گدایی است. در این دوره، هندو از تمام متعلقات دنیوی رهایی شده و از راه گدایی امرار معاش می‌کند (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ۱۴۲).

۱۰. سه‌گوهر یا سه‌پناه (tri-ratana) هنوز در برخی از کشورهای بودایی مذهب همچنان رایج است و به همان گونه است، که در زمان بودا بوده و عبارت است از:

به بودا پناه می‌برم: buddham saranam gacchāmi

به آئین پناه می‌برم: dhammam saranam gacchāmi

به انجمن پناه می‌برم: sangham saranam gacchāmi (میرفخرایی، ۱۳۸۸، ۱۹).

۱۱. بودهی Bodhi به معنای «بیداری و آگاهی» است (میرفخرایی، ۱۳۸۸، ۴۸) که گوتمه شاکیامونی (Gautama śākyamuni) با کشف آن به بیداری نائل گشت (پاشایی، ۱۳۵۷، ۱۶۱).

۱۲. اصول اخلاقی و مراتب تربیت است که شامل پنج اصل و مختص عوام بودایی است. وقتی شاگردان بودا از او خواستند مفهوم «معیشت» را روشن‌تر بیان کند، او برای راهنمایی آنها پنج دستور اخلاقی را آورد که دستورهای ساده و مختصری هستند. این دستورات عبارتند از: پرهیز از قتل و کشتار هر موجود زنده، پرهیز از دزدی، پرهیز از رابطه جنسی نامشروع، پرهیز از دروغ، پرهیز از می و مستی (ویل دورانت، ۱۳۷۶، ۴۹۶).

۱۳. فضیلت (pāramitā) مرکب است از pāra- از ریشه -pāri- به معنای «گذشتن و عبور کردن» و -ita- از ریشه -i- به معنای «آمدن و رسیدن» است و در مجموع به مفهوم «کسی است که به ساحل رسیده و یا از دریای باز پیدایی (saṃsāra) عبور کرده‌و به آرامش نیروانه رسیده است». این واژه در کاربرد صفتی به معنا و مفهوم «به نیروانه پیوسته» و در کاربرد اسمی به معنای «فضیلت» است. فضایل شش‌گانه بودی‌ستوه‌ها شامل: بخشش و ترحم (dāna)، همت و نیروی معنوی (vīrya)، تهذیب اخلاقی (śīla)، صبر و بردباری (kṣānti)، تفکر و مراقبه (dhyāna) و خرد و فرزانیگی (prajñā) است (میرفخرایی، ۱۳۹۲، ص ۹۹).

۱۴. شایستگی‌های اخلاقی و معنوی است. تهذیب اخلاقی سبب می‌شود که شخص از حالت تردید در راه هشت‌گانه باز داشته شود و حالتی است که در رفتار و کردار نمودار می‌گردد. در واقع شایستگی‌های اخلاقی بنیاد رفتار و سلوک بودایی است و نخستین آموزش از سه آموزش است. که عبارتند از: آموزش برترین سلوک، آموزش برترین یكدلی، آموزش برترین فرا شناخت (پاشایی، ۱۳۸۶، ۶۰۲). در آئین مه‌ایانه راه رسیدن به مقام بودا فقط به کمک فضایلش - گانه بودی‌ستوه‌ها امکان پذیر است که در پانویس شماره ۱۳ به آنها اشاره شد و شایستگی‌های اخلاقی نیز یکی از این فضایل شش‌گانه به شمار می‌رود (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ۱۳۴).

۱۵. کِلِشَه (kleśa = ناپاکی و آلودگی): این واژه از ریشه-klis به معنای «رنج بردن و درد کشیدن» است. در آئین بودا عناصر پلید ناشی از اعمال پیشین هستند، که غرایز و شهوات ناخودآگاه انسان را تشکیل می‌دهند. بودائیان به ده کِلِشَه معتقد بودند که سه کِلِشَه متعلق به تن یا کردار (آدم کشی، دزدی، زنا)، چهار کِلِشَه به گفتار (دروغ، تهمت، دشنام، گفتگوی بی‌حاصل)، و سه کِلِشَه به اندیشه (آز، بدخواهی، بی‌دینی) باز می‌گردد. کِلِشَه صفت نادرست و ناشایستی است که دل را می‌آلاید (میرفخرایی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۳؛ ۱۳۹۲، ص ۱۰۲؛ پاشایی، ۱۳۸۶، ص ۵۸۷-۵۶۹-۵۶۴).

۱۶. آنجیلی Anjali به معنای در حالت سلام و احترام قرار گرفتن است و از -añj- به معنای «تدهین کردن و تزئین کردن» و حالتی است با دستان باز در کنار تن بصورتی که کف دست کمی گود است، همانند حالت گدا به هنگام دریافت خوراک (میرفخرایی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱).

۱۷. ده جهت عبارت است از: شمال، جنوب، شرق، غرب، شمال شرقی، شمال غربی، جنوب شرقی، جنوب غربی، بالا و پایین.

۱۸. (prañidhāna) آرمان و نیتی است که بودی‌ستوه در ابتدای شروع حرفه معنوی خود به آن متعهد می‌شود. او عهد می‌بندد که تا پیش از ترک جهان و نیل به نیروانه، همه موجودات را به آزادی برساند. این واژه مرکب است از پیشوندهای para: فرا، پیش و ni: فرو، پایین؛ و dhā: گذاشتن. روی هم به معنی «فرانهاد» است و منظور از آن تمرکز و مراقبه شدید است (میرفخرایی، ۱۳۷۵، ص ۹۹).

۱۹. سوتره (Sūtra) از ریشه -siv به معنای «دوختن» و خود واژه به معنای «رشته و ریسمان، خط، نخ» است. در آئین بودایی، سبک نگارش مبانی فلسفی را به صورت ابیات و سوره‌های بسیار کوتاه و مختصر، سوتره گویند (میرفخرایی، ۱۳۹۲، ص ۹۶). سوتره‌ها محصول پایان دوره ودایی، یعنی در حدود ۵۰۰ تا ۱۰۰ سال پیش از میلاد هستند. در این دوره مطالب مختلف فلسفی آنچنان بسط و گسترش یافته بود، که لازم شد رؤس مطالب به نحوی در اذهان مردم محفوظ بماند و به افکار و آرایه‌ای که در هر سو پراکنده بود، نظام بخشند و آثارشان را در قالب سوتره نگاشتند. هدف از سوتره‌ها این است که شاگرد بتواند مطالب مهم و اصول کلی یک نظام یا مکتب را بخاطر بسپارد. در واقع مانند نخی که دانه‌های تسبیح را بهم ارتباط می‌دهد، این اطلاعات را به حافظه سپرده و پشت سر هم به یاد آورده شود. از این رو، زبان سوتره‌ها مختصر، مفید و موجز و قصار گونه است (چاترجی، موهان داتا، ۱۳۸۴، ص ۶۷).

کتاب‌نامه

- تفضلی، احمد. ۱۳۷۸، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. به کوشش ژاله آموزگار. ج ۳، تهران: سخن.
-پاشایی، ع. ۱۳۵۷، *راه آیین (دمه پده یا سخنان بودا)*، تهران، انجمن فلسفه ایران.

- پاشایی، ع. ۱۳۸۶، *بودا*، ج ۷، تهران، نگاه معاصر.
- چترجی، ساتیش چاندرا و موهان داتا، دریندرا. ۱۳۸۴، *معرفی مکتبهای فلسفی هند*، مترجم: فرناز ناظر زاده کرمانی، قم، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- دورانت، ویل. ۱۳۷۶، *مشرق زمین گاهواره تمدن*، ترجمه: ع. پاشایی، کتاب دوم ج ۵، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- راسل هینلز، جان. ۱۳۸۹، *دیان زنده شرق*، ترجمه: جمعی از مترجمان، قم، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- شایگان، داریوش. ۲۵۳۶، *ادیان و مکتبهای فلسفی هند*، جلد ۱-۲، ج ۶، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۶۶، «قطعه شعری به زبان ختنی»، فرهنگ، شماره یک، پاییز ۱۳۶۶، صص ۲۱۹-۲۳۰. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۷۱، «رنج جهانی در آئین بودا». فرهنگ، شماره سیزده، زمستان ۱۳۷۱، صص ۲۱۷-۲۳۸. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۷۵، «گردونه های آیین بودا سرودی به زبان ختنی»، فرهنگ، شماره اول، سال نهم، بهار ۱۳۷۵، صص ۹۱-۱۰۴، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۸۳، *درآمدی بر زبان ختنی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۸۴، «تمثیل پیل و خانه تاریک و خرد همه آگاه در شعری به زبان ختنی». نامه پارسی، سال دهم، شماره یک، بهار ۱۳۸۴، صص ۳-۱۲.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۸۷، «گاهشماری دوازده حیوانی در متنی به زبان ختنی»، مجموعه پژوهش‌های ایران باستان، به کوشش محمود جعفری دهقی، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۷، صص ۱۱۹-۱۲۸.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۸۸، *اصل خلاء یا تهیگی بنابر آموزه بودا*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۸۹، «زندگی و مرگ در آئین بودا بنابر یک قطعه ختنی»، *فصلنامه پازند*، شماره بیست و بیست و یکم، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۰۳-۱۱۸.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۹۲، *درآمدی بر آثار ادبی زبان ختنی*، *فصلنامه پازند*، شماره سی و دو سی و سه، سال نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۸۹-۱۱۰.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۹۳، *ادبیات ختنی*. در: *تاریخ جامع ایران*، ج ۵، تهران، دایره المعارف بزرگ اسلامی.

Bailey, H.W. 1967, *Prolexis to the book of Zambasta*, Cambridge university press.

Bailey, H.W. 1978, *Dictionary of khotan saka*, Cambridge (DKS): Cambridge university press.

Bailey, H.W. 1979, *Dictionary of khotan saka*, Cambridge (DKS): Cambridge university press.

- Bhatlacharya, H.S. 1976. *Jain Moral Doctrine*. Bombay: Jain Sāhitya Vikās maṇḍal.
- Doley, Kusum, 2015, Concept of Soul and liberation in Jainism, *International Journal of Humanities & Social Science Studies*, Volume II, Issue II, September 2015, pp.297-302.
- Dresden, M.J. 1977. *Khotanese(Saka) Manuscripts: a Provisional Handlist*. ACIr 12, Varia 1976, Téhéran-Liége, pp.27-85.
- Ekka, David, 2005, Liberation in Jainism and Vaiṣika, articles in philosophy, 1-54
- Emmerick, R.E. 1968, *The book of Zambasta (Z), A khotanese poem on Buddhism*, London: oxford university press.
- Emmerick, R.E. 2008, *An introduction to khotanese*. Ed. M. Maggi, J.S. Sheldon, and N. Sims-williams, Weisbaden.
- Emmerick, R.E., 2009, Khotanese and Tumshuqese. *The Iranian Languages*, ed. Gernot Windfur, pp.337-415. London and New York.
- Patañjali & Feuerstein, G. (1989). *The yoga-sutra of Patanjali: A new translation and commentary*. Rochester, NY: Inner Traditions International.
- Hitch, Dogh, 2014, Metre in the Old Khotanese Book of Zambasta, *Ars Metrica*, 11, pp.1-43.
- Konow, S., 1914, Fragments of Buddhist Work in the Ancient Aryan Language of Chinese Turkestan, *Memory of the Asiatic Society*, pp.13-46.
- Leumann, M., 1967, Neue Fragmente des altkhotan- sakischen, ZDMG 117, PP.366-375.
- Monier-Williams, M. 1899. *Sanskrit –English Dictionary*, oxford: At the clarendon press.
- Maggi, M. 2008. Khotanese – literature. <http://www.iranica.com/articles/khotanese-literature>.
- Nyanatiloka, 1988 (rep). *Buddhist Dictionary: Manual of Buddhist term and Doctrines*. Ed. Nyanaponika. Srilanka.
- pranidhāna. <http://www.encyclopedia.com/doc/10108-praidhna.html>.
- Sanghvi, Sukhlal, 1974. *Commentary on Tattvārthasūtra of Vācaka Umāsvāti*. trans. by K. K. Dixit. Ahmedabad, L. D. Institute of Indology.
- Sharifian, F., 2016, Buddhism in khotan and Soghdiana, *Indian Journal of History of Science*, pp.653-658.S
- Shimmy, Joseph, 2017, Unit-2 Philosophy of Jainism, IGNOU, Block-1 Jainism And Buddhism.
- Trungpa, Chogyam, 2013, *The Path of Individual Liberation*, vol.1, shambhala publications, united states.